

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره ۲۵

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۳۳-۵۴

واحدی نیشابوری و فضایل و روایات اهل بیت در الوسیط (کارکردها و اعتبار)

محمدعلی مهدوی راد*

روح‌الله شهیدی**

رحمان بخش بیجارزهی***

چکیده

بهره جستن فرقه‌های اسلامی از احادیث یکدیگر یا نقل احادیثی با موضوع محوری مورد اهتمام دیگران، از دغدغه‌های دانشمندان آن‌ها در سده‌های مختلف اسلامی بوده و در گذر تاریخ فراز و فرودهایی داشته است. واحدی نیشابوری از مفسران اثرگذار قرن پنجم هجری است که در تفسیر الوسیط، فضایل اهل بیت و روایات منقول از اهل بیت (علیهم‌السلام) را آورده است. این مقاله با رویکرد توصیفی تحلیلی چنین دست یافته است که او در ترسیم فضای نزول آیات، شناخت فضایل آیات، ایضاح مراد ظاهری آیات و گاه بیان مصادیقی که در دایره شمول آیات قرار می‌گیرند، از این روایات بهره برده است. واکاوی نحوه تعامل وی با این احادیث نشان می‌دهد که او معمولاً احادیثی از این دست را معتبر می‌شمارد مگر اینکه با اصول بنیادین باور او در تعارض باشد یا در برابر قول اکثریت مفسران قرار گرفته باشد. در این صورت یا چون روایت مربوط به تطبیق آیه تطهیر بر اهل بیت (علیهم‌السلام)، نقل‌های دیگر را رجحان می‌دهد یا چون روایت مربوط به ابلاغ سوره برائت از سوی امام علی (علیه‌السلام)، عدم دلالت آن بر افضلیت ایشان را تبیین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: واحدی، فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام)، روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، کارکردها، اعتبار.

* دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول / mahdavidrad@ut.ac.ir

** استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران / shahidi@ut.ac.ir

*** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی / bijarzehi@ut.ac.ir

۱. مقدمه

در میان هریک از فرقه‌های اسلامی، بهره جستن از مراجع و مصادر مورد قبول دیگر فرقه‌ها، از جمله احادیث منقول از افراد مورد اعتماد آن‌ها، مسئله‌ای حائز اهمیت بوده است.^۱ این مسئله با گذر تاریخ حساسیت بیشتری یافته و اندک‌اندک به مرحله‌ای رسیده است که عالمان مذاهب گونه‌گون اسلامی، عملاً راه استفاده از احادیث فرقه‌های دیگر را بر خود بسته‌اند. فضایل قرآنی اهل بیت (علیهم‌السلام) و روایات منقول از آن‌ها در شمار این احادیث است که در سده‌های نخستین، در مصادر تفسیری و روایی نوعاً نقل شده، به دیده اعتبار نگریسته و در روند تفسیر به کار بسته می‌شدند. پژوهش حاضر، واحدی نیشابوری از مفسران اثرگذار اهل سنت در قرن پنجم هجری را برگزیده است و می‌کوشد تا از رهگذر گردآوری فضایل و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) در الوسیط او، به پرسش‌هایی چند پاسخ دهد؛ نظیر آیا او در تفسیر خویش روایاتی از این دست را به کار می‌گیرد؟ اگر پاسخ مثبت است، کاربرد آن‌ها در کدام یک از گستره‌های تفسیری است؟ شناخت فضای نزول، بازشناخت مفردات و لغات قرآنی، فضایل آیات و سوره، تبیین معنای استعمالی آیات، گسترش معانی قرآنی در عرصه‌های مختلف، بیان مصادیق آیات و...؟ افزون بر تأمل در اصل کارکرد این روایات در تفسیر واحدی، باید نگریست که او آیا این روایت را به دیده اعتبار و حجیت می‌نگرد، یا صرفاً از باب نقل آرا و احادیث مفسران سلف، آن‌ها را در ضمن منقولات دیگر می‌آورد؟ آیا در همه عرصه‌ها و موضوعات، بر اعتبار آن‌ها گردن می‌نهد؟ در رویارویی این روایات با دیگر دیدگاه‌های تفسیری چه می‌کند و چه ضوابطی برای نشان دادن رجحان یا عدم رجحان آن‌ها دارد؟ به دیگر سخن در نگاه اول، تفسیر الوسیط واحدی ملغمه‌ای از روایات تفسیری و بررسی‌های ادبی و زبانی می‌نمایاند که در نقل احادیث از صحت و سقم آن چشم پوشیده و سعی شده است منقولات موجود در میراث تفسیری، از جمله روایات در پیوند با خاندان نبوت، بی‌درنگ نقل گردد. در این میان، شافعی بودن واحدی و شاگردی او نزد ثعلبی، که به نقل روایات فضایل اهل بیت شهره است، هم در بدو امر می‌تواند مؤیدی بر عدم اعمال ارزیابی درباره این احادیث باشد. اکنون باید نگریست که آیا پس از دقت در اموری چون بسامد تکرار نقل‌ها، نحوه چینش روایات، هم‌نوا یا

همنوا بودن روایت با تفسیر و نظر شخصی واحدی و... هم انگاره پیشین تأیید می‌شود و واحدی در قامت مفسری ظاهر می‌گردد که بی تأمل به نقل روایات می‌پردازد یا آنکه معیارها و اصولی در اعتبارسنجی آن‌ها دارد.

درباره واحدی و اندیشه‌های تفسیری او می‌توان به کتاب *الواحدی و منهجه فی التفسیر* اثر دکتر جوده محمد محمد مهدی اشاره کرد.^۲ این کتاب به صورت عام و کلی از واژه‌شناسی، مسائل نحوی، قرائات، روایات، احکام فقهی، مسائل کلامی و... تفاسیر واحدی را مورد بررسی قرار داده است و در موضوع مورد بحث ما، فضایل و روایات اهل بیت و سویه‌های دیگر آن چون گونه‌های کاربرد روایات یا اعتبار و حجیت آن‌ها، بحث دقیق و مشخصی ندارد.

۲. نگاهی به زندگی علمی و کتاب الوسیط واحدی

ابوالحسن علی بن احمد بن محمد بن علی بن متویه واحدی نیشابوری شافعی (م ۴۶۸ق) در نیشابور به دنیا آمد و در همان‌جا علوم مختلف را آموخت. ابوالفضل احمد بن محمد بن عبدالله عروزی صفار (م ۴۱۶ق)، از شاگردان خاص ابوالعباس اصم و ابو منصور ازهری و ابو اسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی نیشابوری (م ۴۲۷ق)، صاحب تفسیر *الکشف و البیان*، از اثرگذارترین استادان او هستند. توصیف او به «استاذ عصره فی النحو و التفسیر» (یافعی، ۱۳۳۸ق، ج ۳، ص ۹۶)، «کان إماماً بارعاً محدثاً» (ابن تعزی بردی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۰۴)، «قرأ الحدیث علی المشایخ و أدرك السند العالی و سار الناس إلی علمه و استفادوا من فوائده» (قفطی، ۱۳۶۹ق، ج ۲، ص ۲۲۳) جایگاه ارجمند او در ادب حدیث و تفسیر را می‌رساند. او در زمینه تفسیر، صاحب *اسباب النزول و سه‌گانه البسیط، الوسیط و الوجیز* است.

البسیط تفسیر مفصل و گسترده اوست که از زوایای مختلف لغوی، نحوی، روایی، کلامی، فقهی و... آیات قرآن را کاویده است. او در مقدمه این تفسیر تصریح می‌کند که تفسیر هر آیه را با سخن ابن عباس، در صورت وجود، آغاز می‌کند و این نکته اهمیت و اعتبار آرای تفسیری ابن عباس را از دیدگاه او نشان می‌دهد. (واحدی نیشابوری، ۱۳۳۰ق، ج ۱، ص ۵۰) *الوجیز* مختصرترین تفسیر اوست که در آن به آرای مورد اعتماد از ابن عباس یا مفسرانی که از منظر او جایگاهی همانند ابن عباس دارند، بسنده کرده

است. (همو، ۱۴۱۵ق[الف]، ص ۵۰) این مطلب هم از اهمیت نظرات ابن عباس نزد واحدی حکایت می‌کند. اما الوسیط تفسیری است که پس از دو تفسیر پیشین و با هدف نگارش تفسیری دور از تطویل و ایجاز نگاشته شده است. او در مقدمه تفسیر خویش بر اهمیت تفسیر مأثور و اخذ و شنیدن از مفسرانی که مستقیم یا از رهگذر روایت، تنزیل را به نظاره نشسته‌اند، انگشت می‌نهد. (همو، ۱۴۱۵ق[ب]، ج ۱، ص ۴۷-۵۰) به دیگر سخن، الوسیط تفسیری است که نه چون الوجیز چنان مختصر و منحصر به منقولات ابن عباس است که نتوان درباره دیدگاه‌های تفسیری و اعتبارسنجانه واحدی در آن سخن گفت و نه مانند البسیط چنان گسترده و درازدامن است که نظرات واحدی درباره روایات و کاربرد آن‌ها در میان انبوهی از بررسی‌های ادبی و... رخ پنهان کرده باشد.

۳. فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) در الوسیط

روی هم رفته پانزده روایت در پیوند با فضایل اهل بیت در الوسیط ذکر شده است. در ادامه، این منقولات بر اساس کارکرد تفسیری آن‌ها از منظر واحدی ذکر و نحوه تعامل واحدی با آن‌ها و میزان اعتبارشان از دیدگاه وی بررسی می‌شود.

۳-۱. کارکردها

۳-۱-۱. ترسیم فضای نزول

هشت روایت از روایات پیش‌گفته (۵۳/۳۳ درصد روایات فضایل)، زمینه‌ها و شرایط نزول یک یا چند آیه و گاه بازتاب‌ها یا ماجراهای روی داده پس از نزول آن‌ها را آشکار می‌سازد.

آیه «وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (انسان: ۸) از آیات معروف در این زمینه است. واحدی از عطا و او از ابن عباس نقل می‌کند که علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) یک شب تا صبح نخلستانی را در مقابل مقداری جو آبیاری کرد. چون صبح شد، جو را تحویل گرفت و ثلث آن را آرد کرد و از آن حریره (نوعی حلوا) درست کرد. وقتی حریره آماده شد، مسکینی آمد و اظهار گرسنگی کرد؛ ایشان غذای آماده را به مسکین داد. سپس به همراه خانواده ثلث دیگر را آرد کرده، حریره درست کردند. وقتی که حلوا آماده خوردن شد، یتیمی در منزل امام را زد و طلب غذا کرد. امام این بار هم

غذای خانواده را به یتیم داد و ثلث باقی مانده جو را آرد کرده، حلوا ساخت که این بار اسیری آمد و طلب غذا کرد. امام بار دیگر غذای آماده را به اسیر دادند و آن روز را گرسنه و بدون غذا سپری کردند. (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۴، ص ۴۰۱) واحدی به همین روایت بسنده کرده، در مقابل آن هیچ روایت دیگری نمی آورد و چنین می نماید که با اعتبار آن مخالفتی ندارد.

آیه مباهله («فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتِهَلْ فَتَنْجَعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» آل عمران: ۶۱) نیز از دیگر آیاتی است که واحدی آن را به استناد روایتی با اهل بیت علیهم السلام پیوند می زند. بنا بر روایت منقول از سعد بن ابی وقاص چون این آیه نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت حسن و حضرت حسین علیهم السلام را جمع کرد و فرمود: «هولاء اهلی». (همو، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۱، ص ۴۴۵) در اینجا نیز نیشابوری فقط همین روایت را آورده است. او نه فقط نقل مخالفتی در برابر آن نمی آورد، بلکه درصدد دفاع از تطبیق فحوای آیه با روایت و ماجرای پسینی آن نیز برمی آید. گویا در اشتمال آیه بر امام علی علیه السلام به صورت مشخص تطبیق «أنفسنا» بر امام شبهاتی وجود داشته است. از این رو واحدی بلافاصله پس از نقل روایت با شواهدی از فرهنگ عربی و قرآن نشان می دهد که نفس لزوماً بر شخص خود انسان اطلاق نمی شود و معانی دیگر نیز دارد. او می گوید که تازیان، پسرعمو را نفس می خوانند و در آیه «وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ» (حجرات: ۱۱) مراد از «أنفس»، برادران مؤمن است. (همان جا)

واحدی به نقل از کلبی و مجاهد از ابن عباس، نزول آیه «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَشْوَاهَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً» (بقره: ۲۷۴) را درباره انفاق چهار درهم از سوی امام علی علیه السلام دانسته است. (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۱، ص ۳۹۲) البته او پس از این، اقوالی دیگر نیز در این زمینه گزارش کرده است. برای نمونه آورده اند که ابن عباس این آیه را عام و دربردارنده تمام کسانی می داند که برای جهاد در راه خدا اسب زین می کنند و آشکارا و نهان در راه او انفاق می کنند و در روایتی مرفوع از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بدین مطلب اشاره شده است. (همان جا) اما میان این اقوال تعارض مستقری وجود ندارد، چه از قبل عام و خاص هستند. از همین روی می توان بر اعتبار روایت مبنی بر نزول آیه درباره امام

علی علیه السلام از نظر واحدی گردن نهاد. مقدم ساختن آن بر دیگر آرای تفسیری می‌تواند مؤیدی بر اعتبار آن باشد.

بر پایه روایتی از سعید بن جبیر از ابن عباس، آیه «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ» (سجده: ۱۸) در پی گفت‌وگو و منازعه امام علی علیه السلام و ولید بن عقبه نازل شد و بدین سان مصداق عصر نزولی، مؤمن امام علی علیه السلام و فاسق ولید خواهد بود. (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۳، ص ۴۵۴). ذیل این آیه در الوسیط، همین تکروایت آمده و چنین می‌نماید که واحدی آن را تلقی به قبول کرده است.

در نقلی از عطا در تفسیر نیشابوری آمده است: «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (زمر: ۲۲) درباره علی علیه السلام و حمزه و ابولهب و فرزندان نازل شده است. (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۳، ص ۵۷۷) البته این دیدگاه پس از نقلی از مقاتل آمده است که نزول آیه را مربوط به پیامبر صلی الله علیه و آله و ابوجهل می‌انگارد. گویا واحدی دیدگاه اخیر را به‌عنوان سبب نزول آیه رجحان می‌نهد، چه شأن نزول آیه ۲۴ از همین سوره «أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (زمر: ۲۴) را نیز ابوجهل می‌آورد. (همو، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۳، ص ۵۷۹). در عین حال، واحدی بر روایت دیگر خرده‌ای نگرفته است و می‌توان گفت که از مقوله تسری آیه بر مصادیق افزون بر مورد و مصداق نزول است و با آن منافاتی ندارد.

چنان‌که واحدی می‌گوید، مجاهد نزول «أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعَدًّا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ» (قصص: ۶۱) را درباره علی علیه السلام و حمزه و ابوجهل می‌داند. (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۳، ص ۴۰۵) مفسر پیش از این خود آیه را عام و شامل هر مؤمن فرمانبردار و کافر دنیامدار معنا کرده و از قتاده نیز در همین راستا نقلی آورده است. اما با توجه به عدم نقد واحدی و همچنین نبود تعارض میان اقوال پیش‌گفته، می‌توان اعتبار سبب نزول گفته‌شده را پذیرفت.

در نقلی از مکحول آمده است که رسول خدا پس از نزول «مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (عنکبوت: ۵)، آن را بر امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام قرائت کرده است. (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۳، ص ۴۱۳) واحدی با این نقل نشان می‌دهد پیامبر صلی الله علیه و آله اهل بیت را در ابلاغ و آموختن قرآن مقدم می‌داشته، و نقل

دیگری هم در عرض یا مقابل آن ذکر نکرده است.

نمونه‌های پیش‌گفته نشان می‌دهد که واحدی از نقل فضایل اهل بیت علیهم‌السلام و کاربست آنان در تفسیر آیات ابایی ندارد. اگر نمونه‌های نقل‌شده را دوباره از نظر بگذرانیم، مشاهد می‌کنیم که درون‌مایه آن‌ها با اصول اعتقادی مورد مناقشه میان فرق اسلامی چندان در تضاد نیست. اما چنین می‌نماید که واحدی در مواردی که روایت را با اصول اعتقادی خویش را ناسازگار یابد، در تبیین و توجیه آن می‌کوشد. نمونه زیر دلیل بر این مدعاست.

او به نقل از مفسران^۳ می‌آورد که نخست خلیفه اول مسئول ابلاغ ۴۰ آیه ابتدایی سوره براءت شد و سپس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، علی علیه‌السلام را مأمور ابلاغ قرار داد. (همان، ج ۲، ص ۴۷۷) از این نقل افضلیت علی علیه‌السلام بر جناب ابوبکر برمی‌آید؛ از همین روی واحدی می‌کوشد تا این برداشت را از میان بردارد. او در این راه، از سخنان زجاج و جاحظ بهره می‌جوید. زجاج به عادات و عرف عرب اشاره می‌کند که در پیمان بستن یا نقض پیمان مردی از قبیله فرد متولی می‌شد. جاحظ هم بر این نکته انگشت می‌نهد که در این سفر، ابوبکر امام و پیشوا و علی علیه‌السلام مأموم و تابع بوده است و دلیل ابلاغ پیام را هم رسم پیش‌گفته عرب می‌داند که پیمان یا نقض آن به دست رئیس قبیله یا فردی از قبیله او مانند برادر یا عمو و... رخ می‌بسته است. واحدی برای محکم کردن این نکته به حدیث به باور خود صحیح از طریق بخاری از ابوهریره استناد می‌کند که ابوبکر، به روز عید قربان، ابوهریره را در زمره اعلام‌کنندگان پیام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مبنی بر اینکه از امسال به بعد هیچ مشرکی اجازه آمدن را به مکه و حج ندارد و همچنین هیچ کس اجازه ندارد به صورت عریان و برهنه طواف کند، فرستاده و امام علی علیه‌السلام هم همراه آنان براءت و همین پیام را اعلام می‌کرده است. (همان، ج ۲، ص ۴۷۸)

۳-۱-۲. ایضاح مفهومی

چهار روایت از روایات فضایل (۲۶/۶۶ درصد روایات فضایل) به تبیین معنای استعمالی عبارات قرآن و تفصیل محتوای آیه در عرصه‌های اعتقادی، تاریخی و فقهی می‌پردازند.

ذیل «وَوَرَّثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنَاطِقَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنِّ

هذا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ» (نمل: ۱۶)، واحدی در تبیین «منطق الطیر» طی روایتی مفصل، ترجمان صدای پرندگان مختلف را از ابن عباس نقل می‌کند، از جمله اینکه چکاوک در آواز خویش می‌گوید: «اللهم العن مبغضی محمد و آل محمد» (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۳، ص ۳۷۲) پیش از این روایت «الدیک الأبیض صدیقی و صدیق صدیقی و عدوی و عدو عدوی» را می‌آورد و اینکه او در آواز خویش «اذکروا الله یا غافلین» می‌گوید. (همان، ج ۳، ص ۳۷۱) چنین به نظر می‌آید که واحدی با این روایات مشکلی ندارد؛ به‌ویژه که روایت اول را از ابن عباس، مفسری که در کانون توجه اوست، آورده است.

آیه «إِنَّ الَّذِينَ تَوَكَّلُوا مِنْكُمْ يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَ لَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ» (آل عمران: ۱۵۵) در حال و هوای جنگ احد نازل شده است. سهل بن سعد در روایتی مجروح شدن پیامبر ﷺ در جنگ احد و تیمارداری فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام از ایشان را گزارش می‌کند. (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۱، ص ۵۰۵) واحدی در برابر این روایت، روایت دیگری نیآورده است.

درباره مفهوم «قربی» در آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳) اختلافاتی وجود دارد. یکی از اقوال آن است که مراد علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فرزندان ایشان است. واحدی این قول را از سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده است. (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۴، ص ۵۲) البته این تنها دیدگاهی نیست که واحدی گزارش کرده است، بلکه او دو نظر دیگر را نیز آورده و آن‌ها را بر تفسیر بالا مقدم نیز داشته است. (همان، ج ۴، ص ۵۰-۵۱)

۱. دیدگاه قتاده، مقاتل، سدی، ضحاک و نقل والبی و عوفی از ابن عباس: دوستی پیامبر ﷺ و حرمت داشت پیوند و قرابت میان خود و ایشان؛

۲. دیدگاه حسن بصری و روایت مجاهد از ابن عباس از پیامبر ﷺ دوستی خداوند و نزدیکی و قرب به او از رهگذر طاعت و فرمانبرداری.

با توجه به کثرت باورمندان به دیدگاه نخستین و تقدیم آن و دیدگاه دوم بر تفسیر «قربی» به خویشان پیامبر ﷺ، چنین به نظر می‌رسد که دو معنای پیش گفته، نزد واحدی رجحان داشته‌اند؛ هرچند که این به معنای نادرست و بی‌اعتبار دانستن دیدگاه دیگر نیست، مؤید این مطلب آن است که واحدی پس از بررسی‌های بالا، ادعای نسخ آیه با

آیات «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ» (ص: ۸۶) و «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ» (سبأ: ۴۶) به بونه نقد می‌نهد. به باور او، ادعای بر متصله دانستن استثنا در آیه ۲۳ سوره شوری قرار دارد، حال آنکه استثنا در حقیقت منقطع است. اما نکته‌ای که با بحث ما در پیوند است، آنکه واحدی معتقد است که گردن نهادن بر نسخ آیه بدین معناست که مودت پیامبر ﷺ، مودت خاندان و نزدیکان پیامبر و تقرب به خدا از رهگذر طاعت، نسخ شده باشد، حال آنکه چنین مطلبی صحیح نیست. (واحدی، ۴۱۵ [ب]، ج ۴، ص ۵۳) می‌بینیم که او در تحلیل خویش، هر سه دیدگاه مذکور را وارد کرده و ظاهراً آن‌ها را مانعة الجمع نمی‌دانسته است.

بی‌شک آیه تطهیر و به‌ویژه تعیین مصداق اهل بیت ﷺ یکی از چالش‌های تفسیری میان فرقه‌های مختلف اسلامی بوده است. واحدی ذیل این آیه روایتی از ابو سعید خدری می‌آورد که این کلام الهی را منحصر به پیامبر ﷺ و فاطمه علیها السلام و علی و حسن و حسین علیهم السلام دانسته است. (همان، ج ۳، ص ۴۷۰) اما وجود شواهدی چند نشان می‌دهد که واحدی این تفسیر را ترجیح نداده است. او خود مراد از اهل بیت را زنان پیامبر می‌داند، زیرا ایشان در بیت و خانه پیامبر ﷺ بوده‌اند. او این سخن را قول مفسران بسیاری چون کلبی، مقاتل، عکرمه و ابن عباس (به روایت سعید بن جبیر) می‌داند. واحدی در بیان استدلال و دلیل اینان نیز کوشیده و دلیل آن‌ها را سیاق و خطابات ماقبل و مابعد آیه - که روی سخن همه آن‌ها زنان پیامبر است - می‌داند و عدول از ضمیر مؤنث به مذکر را در فقره مورد نظر، به وجود پیامبر میان ایشان تعلیل می‌کند. بنابراین مشاهده می‌شود در اینجا نیز که آیه در کشاکش‌های کلامی، رنگ و بوی ایدئولوژیک به خود گرفته، واحدی در راستای تطبیق آن با اصول مسلم و پذیرفته خویش تلاش می‌کند.

۳-۱-۳. بیان مصداق

در دو روایت از روایات در پیوند با اهل بیت ﷺ (۱۳/۳۳) درصد روایات فضایل) دیده می‌شود که به مناسبت «إِذْ أُنْبِثَتْ أَشْقَاهَا» (شمس: ۱۲) پیامبر ﷺ ضمن معرفی پی‌کننده ناقه صالح به‌عنوان اشقی اولین، در پیشگویی شهادت امام علی علیه السلام، قاتل او را «أشقی الآخرين» معرفی می‌کند و بدین سان مصداقی دیگر از «أشقی» را در دوران پس از عصر نزول باز می‌شناسانند. محتوای این روایات توسط صهیب بن سنان و عمار یاسر

گزارش شده است. (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۴، ص ۴۹۹)

۳-۱-۴. استناد به قرآن

در روایتی به نقل از ابو بریده اسلمی (۶/۶۶٪) روایات فضایل) آمده است که پیامبر ﷺ بر منبر خطبه می خواند و امام حسن و امام حسین علیهما السلام که در آن زمان کودکانی خردسال بودند، وارد مسجد شدند و می خواستند که از میان صفوف مردمان گذر کرده و خویش را به پیامبر برسانند ولی به علت فشرده گی صفوف بر این امر قادر نبودند. پیامبر که چنین دید، خطبه را قطع کرد، از منبر فرود آمد و آن ها را بر دوش گرفته و با خود بر منبر برد و در بیان دلیل کار خویش، به آیه «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (تغابن: ۱۵) استناد کردند. (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۴، ص ۳۰۹) واحدی ذیل این آیه همین روایت را آورده و مطلبی در مقابل و مخالف آن بیان نکرده است.

۳-۲. اعتبار

ابتدا در جدول زیر روایت فضایل یادشده را به تفکیک ناقلان، طبقه آنان و کارکرد روایت از نظر می گذرانیم.

ناقل اصلی	طبقه ناقل	تعداد روایات	کارکرد روایت و آیه مربوط به آن	درصد نسبت به کل روایات
ابن عباس	صحابی	۵ روایت	ترسیم فضای نزول (انسان: ۸؛ بقره: ۲۷۴؛ سجده: ۱۸) ایضاح مفهومی (نمل: ۲۶؛ شوری: ۲۳)	۳۳/۳۳٪
سعد بن ابی وقاص		۱ روایت	ترسیم فضای نزول (آل عمران: ۶۱)	۶/۶۶٪
سهل بن سعد		۱ روایت	ترسیم فضای نزول (آل عمران: ۶۱)	۶/۶۶٪
ابو بریده اسلمی		۱ روایت	استناد به قرآن (تغابن: ۱۵)	۶/۶۶٪
صهیب بن سنان		۱ روایت	بیان مصداق (شمس: ۱۲)	۶/۶۶٪
عمار یاسر		۱ روایت	بیان مصداق (شمس: ۱۲)	۶/۶۶٪
ابو سعید خدری		۱ روایت	ایضاح مفهومی (احزاب: ۳۳)	۶/۶۶٪
عطا بن ابی رباح	تابعی	۱ روایت	ترسیم فضای نزول (زمر: ۲۲)	۶/۶۶٪
مجاهد بن جبر		۱ روایت	ترسیم فضای نزول (قصص: ۶۱)	۶/۶۶٪
مکحول		۱ روایت	ترسیم فضای نزول (عنکبوت: ۵)	۶/۶۶٪
مفسران	—	۱ روایت	ترسیم فضای نزول (توبه: ۴۰ آیه ابتدایی)	۶/۶۶٪

چنان‌که دیده می‌شود، نزدیک به ۸۰٪ این روایات از صحابه، به‌ویژه ابن عباس گزارش شده است. پیش از این از اهمیت و اعتبار منقولات اصحاب پیامبر و به‌ویژه ابن عباس از منظر واحدی سخن گفتیم و بر این اساس می‌توان اعتبار بدوی منقولات بالا را از منظر او نتیجه گرفت. با این حال، قضاوت نهایی در این باره پس از بررسی تعامل عملی او با این روایات در روند تفسیر، ممکن و شدنی است. در قسمت پیشین و به هنگام بیان کارکردهای تفسیری روایات فضایل دیدیم که تنها در دو مورد واحدی در راستای تأویل روایت یا کاستن از اعتبار آن کوشید. یک بار در ماجرای ابلاغ آیات نخستین سوره براءت توسط امام علی علیه السلام و برداشت فضیلت او و بار دیگر در تعیین مصداق اهل بیت علیهم السلام در آیه تطهیر؛ یعنی موضوعاتی که در مجادلات کلامی فرق اسلامی محل مناقشه است. می‌توان گفت که واحدی با اعتبار سایر روایات مسئله‌ای ندارد.

۴. روایات منقول از اهل بیت در الوسیط

روی هم رفته در ۲۶ روایت از روایت الوسیط واحدی، اهل بیت نقش آفرین‌اند. این روایات، کارکردها و اعتبار آن‌ها را به ترتیب تاریخی مرور می‌کنیم.

۱-۴. روایات امام علی علیه السلام

از میان اهل بیت علیهم السلام، امام علی علیه السلام بیشترین حجم روایات در الوسیط واحدی را دارد و در ۱۸ روایت به چشم می‌آید. از این شمار، ۸ روایت منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله و به تعبیر مصطلح الحدیثی مرفوع است و ۱۰ تا اقوال خود امام علی علیه السلام یا حدیث موقوف است.

۱-۱-۴. روایات مرفوع امام علی علیه السلام

۱-۱-۴-۱. کارکردها

تمامی روایات امام علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله در راستای ایضاح معنایی آیات هستند و در عرصه‌های مختلف اعتقادی و فقهی به تبیین یا بسط مفاهیم قرآنی پرداخته است.

الف. ایضاح معنایی در گستره اعتقادی

در پاره‌ای از آیات قران از سنت‌های خداوند و قوانین الهی سخن گفته شده و واحدی روایتی را از رهگذر امام علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله در راستای روشن‌داشتن آن‌ها نقل کرده است؛ مانند آیه «فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَاتَّقَىٰ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ وَأَمَّا

مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَعْنَى وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَى فَسَيُسْرُهُ لِّلْغُسْرَى» (لیل: ۵-۱۰) که پیامبر ﷺ بیان می‌کنند به‌رغم مقدر بودن سعادت و شقاوت، باید انسان بر اعمال مداومت کند؛ زیرا انجام اعمال خیر بر سعادت‌مند آسان و بر شقی دشوار است. (واحدی، ۱۴۱۵ق[ب]، ج ۴، ص ۵۰۴) واحدی به ذکر همین روایت درباره آیه بسنده کرده است. یا ذیل آیه «وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَغْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» (شوری: ۳۰) در روایت نبوی آمده که تمامی جراحات‌ها و لغزش‌های پا در دنیا عقوبت گناه‌های انسان است و خداوند عادل در قیامت دیگر بر آن گناهان مؤاخذه نمی‌کند. (واحدی، ۱۴۱۵ق[ب]، ج ۴، ص ۵۵) واحدی خود پیش از «ما أصابکم...» را ضربه سنگ، لغزش پا و بالاتر از آن معنا کرده و همچنین روایتی هم‌مضمون با روایت امام، از حسن بصری نقل می‌کند. (همان، ج ۴، ص ۵۴-۵۵) همچنین در آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم: ۹۶) بیان شده است که «ود» نتیجه ایمان و عمل صالح است. در روایت مرفوعی از امام علی علیه السلام مراد از ود را محبت این افراد در قلب‌های مؤمنان و صالحان دانسته شده است. (واحدی، ۱۴۱۵ق[ب]، ج ۳، ص ۱۹۷) واحدی پیش از این، با مقولاتی از ابن عباس، مجاهد، هرم بن حیّان و روایتی مرفوع به نقل از ابو هریره، مضمونی تا حدودی مشابه با روایت امام علی علیه السلام آورده است. (همان‌جا)

بخش دیگری از ایضاح‌های مفهومی روایات امام علیه السلام، به موضوع نبوت مربوط می‌شود. از آیه «وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَ لَا الْإِيمَانُ وَ لَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَ إِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (شوری: ۵۲) و فقره «ما كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَ لَا الْإِيمَانُ» شاید شائبه مشرک بودن پیامبر اسلام پیش از نبوت برآید. پیامبر صلی الله علیه و آله در گفت‌وگویی با امام علی علیه السلام تصریح می‌کند که قبل از آگاهی از قرآن و کتاب، بتی نپرستیده و خمیری ننوشیده و می‌دانسته که باور قومش کفرآمیز بوده است. (واحدی، ۱۴۱۵ق[ب]، ج ۴، ص ۶۲). نیشابوری پیش از این روایت اقوالی را نیز آورده است مانند قول محمد بن اسحاق بن خزیمه که بر آن بوده است که پیامبر قبل از وحی قرآن را نمی‌شناخت و شرایع و معالم ایمان را که جزء ایمان است، نمی‌شناخت. او به آیه «مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيْمَانَكُمْ» استناد کرده است که به باور او مراد از ایمان نماز (یکی از شرایع) است. واحدی همچنین باور استاد خود ابو اسحاق را

می آورد که آیه را مربوط به قبل از بلوغ پیامبر ﷺ می داند که در طفولیت ایمان را نمی شناخته است. همچنین حسین بن فضل بجلی معتقد است که مضافی قبل از ایمان حذف شده است و تقدیر آیه را چنین می داند: «ما کنت تدری ما الکتاب و لا (أهل) الایمان.» و آنگاه می گوید متکلمان همداستان اند که رسولان قبل از وحی مؤمن بوده اند و پیامبر قبل از وحی به دین ابراهیم بوده است. (همان، ج ۴، ص ۶۱) چنان که می بینیم هیچ یک از این اقوال مخالفی با روایت پیش گفته ندارد.

در روایتی دیگر، به مناسبت آیه «وَجِئَ یَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ یَوْمَئِذٍ یَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى» (فجر: ۲۳) چگونگی احوال جهنم در قیامت از سوی پیامبر ﷺ تبیین می شود، بدین سان که هفتاد هزار فرشته با هفتاد هزار لگام جهنم را می کشند و در این هنگامه انسان ها به خویش دل مشغول اند، جز پیامبر اکرم که در فکر امت خویش است. آنچه واحدی از گروهی از مفسران نقل می کند یا روایتی که از ابن مسعود، از پیامبر ﷺ نقل می کند، درون مایه مشابه با گزارش پیشین دارد.

ب. ایضاح ایضاح معنایی در گستره فقهی

واحدی ذیل آیه «حُرِّمَتْ عَلَیْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمْ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمْ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِیماً» (نساء: ۲۳) این روایت پیامبر ﷺ را می آورد هر محرمیتی که از طریق نسب ایجاد می شود، از رهگذر رضاع نیز پدید می آید. واحدی به صراحت این حدیث را مبنا قرار داده و بلافاصله پس از آن می نویسد: «فتبیت بهذا الحدیث أن السبع المحرمات بالنسب علی التفصیل الذی ذكره الله محرمات باللبن.» (واحدی، ۴۱۵ق [ب]، ج ۲، ص ۳۲)

پس از آیات «الَّذِينَ لَا يَكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» (بقره: ۲۷۵) و «وَلَا تَقْرَبُوا الرِّبَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسراء: ۳۲) به نقل از امام علی (ع) از پیامبر ﷺ، از لعنت رسول خدا بر ربا دهنده، رباگیرنده، کاتب معامله ربوی و دو شاهد معامله ربوی (واحدی، ۴۱۵ق [ب]، ج ۱، ص ۳۹۵) و همچنین

ضررهای دنیوی و اخروی زنا (همان، ج ۳، ص ۱۰۶) سخن رفته است. در هیچ یک از این دو نمونه، مفسر نقلی مخالف نیاورده و بر آن‌ها هم خرده‌ای نگرفته است.

۴-۱-۲. اعتبار

در تمامی نمونه‌هایی که گذشت (۵) ایضاح معنایی در گستره اعتقادی + ۳ ایضاح معنایی در گستره فقهی)، هیچ قرینه‌ای دال بر عدم موافقت واحدی با مضمون روایات وجود نداشت و در بیشتر روایات، یا نقل‌هایی هم‌راستا وجود داشت یا فقط به همان روایت بسنده شده بود و در یک مورد، واحدی به صراحت حدیث را مستند نظر فقهی خویش ساخته بود. از این رو اعتبار این احادیث از دیدگاه واحدی را می‌توان نتیجه گرفت.

۴-۱-۲. روایات موقوف امام علی علیه السلام

۴-۱-۲-۱. کارکردها

الف. آیه‌شناخت

در روایتی از امام می‌گوید که هر کس در پایان مجلس، آیه «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (صافات: ۱۸۰-۱۸۳) را بخواند، اعمالش در قیامت با کیل کامل وزن می‌شود. (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۳، ص ۵۳۶) پیش از این هم روایتی از ابوسعید خدری نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله آیات پیش گفته را در اوقاتی خاص می‌خوانده است. (همان‌جا) این روایت با روایت پیش گفته منافاتی ندارد.

ب. ایضاح معنایی در گستره اعتقادی

یک روایت در موضوع معاد و بر محور «يَوْمَ نَخْشِرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا» (مریم: ۸۵) آمده است که در آن امام بیان می‌کند که مؤمنان سوار بر شترانی بی‌همتا و بر محمل‌هایی زرین به سوی بهشت می‌روند. (همان، ج ۳، ص ۱۹۶)

«قربی» در آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳) در روایتی از امام علی علیه السلام به نزدیکان پیامبر تفسیر شده است. (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۴، ص ۵۲-۵۳) پیش از این، از نحوه تعامل واحدی با روایات مشابه آن سخن گفتیم.

ج. ایضاح معنایی در گستره فقهی

واحدی می‌گوید بیشتر مفسران بر آن‌اند که استثنا در «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ

تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده: ۳۴) مربوط به مشرک محارب است. حال مسئله این است که آیا در صورت توبه، حدّ از مسلمان محارب نیز برداشته می‌شود. واحدی در این زمینه، سخن امام علی علیه السلام درباره برداشته شدن از حدّ حارثه بن بدر تمیمی محارب را می‌آورد و به استناد آن، نقل از سدّی و گزارش رأی شافعی، به برداشته شدن حدّ از محارب مسلمان در صورت توبه معتقد می‌شود. (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۲، ص ۱۸۲-۱۸۳)

د. ایضاح معنایی در گستره قصص

مصدق ذبیح در «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيُ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ» (صافات: ۱۰۲) مورد اختلاف است. امام علی علیه السلام بنا بر نقل واحدی، او را اسحاق می‌داند و نیشابوری اکثر مفسران را نیز بر این نظر می‌داند. در برابر سعید بن مسیب، شعبی، حسن، مجاهد و ابن عباس (به روایت عطا) او را اسماعیل می‌شمارند. ظاهراً واحدی دیدگاه نخست را برگزیده است؛ زیرا با بهره جستن از این سخن زجاج، آن را تقویت می‌کند که سیاق این آیات دلالت می‌کند که اسحاق است؛ زیرا «فبشرناه بغلام حلیم» در آیات پیشین، بیه شک اسحاق است و آنگاه «فلما بلغ معه السعی» آمده و قضیه ذبح را بر ذکر اسحاق عطف کرده است. (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۳، ص ۵۲۹)

در روایتی از امام علی علیه السلام، آیه «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهاً» (احزاب: ۶۹)، به ماجرای اتهام موسی به قتل برادرش هارون و تبرئه او توسط خداوند مربوط دانسته شده است. (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۳، ص ۴۸۴) واحدی پیش از این روایتی از ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند بدین شرح که بنی اسرائیل عریان غسل می‌کردند و به عورت یکدیگر می‌نگریستند. و موسی به تنهایی غسل می‌کرد. آن‌ها دلیل تنها غسل کردن موسی به تنهایی را، وجود عیبی در عورت او می‌انگاشتند. از این روی روزی که موسی به تنهایی غسل می‌کرد، سنگی لباس او را برداشت و گریخت و موسی عریان در پی او بود و بنی اسرائیل فهمیدند که در عورت او عیبی نیست. تقدم این نقل بر نقل امام، انتساب آن به تمامی مفسران (و طبیعتاً منفرد بودن روایت منقول از امام) و تصریح به وجود آن در صحیح مسلم قرائنی است که

نشان می‌دهد واحدی روایت ابوهریره را بر نقل امام علی علیه السلام ترجیح داده است. (همان، ج ۴، ص ۴۸۳-۴۸۴) گفتنی است نقل ابوهریره که واحدی برگزیده، معارض با شأن انبیا و از اسرائیلیات است و به صراحت مورد نقد قرار گرفته است. (صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۱۰۳)

هـ. ایضاح معنایی در گستره هستی‌شناختی

آن گونه که واحدی نقل می‌کند، امام علی علیه السلام در معنای آیه «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۹۶) بر آن بوده است که کعبه اولین بنایی ست که خداوند در آن برکت نهاد و آن را محل هدایت مردم قرار داد نه اولین بنای روی زمین. پیش از این روایت، صاحب الوسیط آرای دیگری را نیز نقل کرده است:

۱. عطا: اولین موضع روی زمین، جای کعبه و بیت الله بود و بعد از آن زمین بسط یافت. اولین کوه ابو قییس بود و از آن کوه‌ها گسترش یافت.

۲. مجاهد: خلق بیت الله دو هزار سال قبل از خلق چیزی از زمین؛

۳. ابن عباس: اولین خانه‌ای که آدم روی زمین بنا نهاد.

پس از نقل دیدگاه امام علی علیه السلام نیز حدیثی از ابوذر از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آورد که او از رسول خدا پرسید: اولین مسجد روی زمین چه بوده است؟ فرمود: مسجد الحرام. ابوذر پرسید: سپس؟ فرمود: مسجد الاقصی. گفتم: چند سال فاصله بوده است؟ فرمود: چهار سال و سپس زمین را مسجد قرار داد و از این روی هر جا وقت نماز رسید، نماز بخوان. (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۱، ص ۴۶۵-۴۶۶)

واحدی هیچ قضاوت صریحی در این باره ندارد. هر چند که برآیند قول مجاهد، عطا و ابن عباس کعبه را نخستین بنای روی زمین می‌شمارد و اگر بنا بر تقدم اقوال و کثرت قائلان قضاوت کنیم، می‌توانیم آن‌ها را از منظر مفسر ترجیح دهیم. هر چند که روایت مرفوع ابوذر تلویحاً سخن امام را تأیید می‌کند و بنا بر تصریح واحدی در صحیح مسلم گزارش شده است.

و. بیان مصداق

تطبیق «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ» (ابراهیم: ۲۸) بر بنی‌امیه و بنی‌مغیره (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۳، ص ۳۱)، اشتغال «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ»

نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص: ۸۳) بر سرمدمداران عادل و متواضع (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۳، ص ۴۱۰) و کسی که به بند کفش خود غره شود (همان‌جا)، در سه روایت موقوف از امام نقل شده است و نقد یا نقل مخالفی هم در برابر آن‌ها وجود ندارد.

۴-۲-۱-۲. اعتبار

در هشت روایت از روایات موقوف پیش گفته، واحدی یا نقد و مخالفت صریحی نداشت (۶ مورد) یا به‌صراحت سخن امام را مستند خویش کرده (توبه محارب مسلمان و برداشته شدن حد از او) یا آن را مدلل و مستند ساخته بود (اسحاق مصداق ذبیح). از این روی می‌توان گفت که او بر اعتبار این روایات گردن نهاده است. درباره چستی تهمت بنی اسرائیل به موسی عَلَيْهِ السَّلَام و تبرئه او توسط خداوند، واحدی رأی منقول از امام را به دلیل انفراد نپذیرفته و به سخن اکثریت و با استناد به روایتی در صحیح مسلم متمایل گردیده بود. در این مسئله هم که آیا کعبه، اولین بنای روی زمین است یا اولین سازه بنیان‌نهاد با هدف هدایت مردمان، هم رجحان قولی جز قول امام از سوی واحدی محتمل است.

۴-۲. روایات حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام

در روایتی «آیه‌شناخت»، پیامبر از فضیلت قربانی کردن و قرائت «قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ» (انعام: ۱۶۲-۱۶۳) هنگام ذبح قربانی با حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام سخن می‌گوید. نیشابوری به نقل همین روایت بسنده کرده است. (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۲، ص ۳۴۵) و گویا با اعتبار آن مشکلی ندارد.

۴-۳. روایات امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام

در یک روایت با موضوع ایضاح معنایی «وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ» (بروج: ۳)، امام به قرینه «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (احزاب: ۴۵)، شاهد را پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مشهود را به استناد «ذَلِكَ يَوْمَ مَجْمُوعٍ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمَ مَشْهُودٍ» (هود: ۱۰۳) قیامت می‌داند. (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۴، ص ۴۵۸) چنین می‌نماید که واحدی این روایت را روایت برگزیده نمی‌داند، زیرا پیش از آن روایتی از ابوهریره از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌آورد که شاهد روز جمعه

و مشهود روز عرفه است. او این قول را سخن اکثریت می‌داند و می‌گوید که روز جمعه را از آن روی شاهد گفته‌اند که بر عمل هر عامل در خود شهاد می‌دهد و از آن جهت روز عرفه را مشهود می‌گویند که مردم در آن موسم حج را درک می‌کنند و ملائکه هم در آن حضور می‌یابند. (همان، ج ۴، ص ۴۵۸-۴۵۷)

۴-۴. روایات امام سجاده علیه السلام

واحدی در بحث از آیه «وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ» (احزاب: ۳۷) از حضرت سجاده علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله به‌رغم خبر داشتن از به همسری در آمدن زینب برای خود، از زید خواست که همسر خویش را نگه دارد و خبر الهی را مخفی کرد. این روایت ترسیم فضای تاریخی نزول آیه است. مفسر ما به استناد این خبر می‌گوید بنابراین جایز است که پیامبر برای سخن «أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ» مورد عتاب باشد و با اینکه می‌دانست زینب همسر او خواهد بود، خبر خداوند به خود را کتمان کرد. از این روی مراد از «وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ» ترسیدن از خدا، در کتمان آن چیزی است که به او خبر داده است. (واحدی، ۴۱۵ق[ب]، ج ۳، ص ۴۷۳) همین مبنا قرار دادن نقل امام و استنباط بر پایه آن از اعتبار نقل نزد واحدی حکایت دارد. هرچند که او پیش از این از عطا از ابن عباس نقل کرده است که این‌گونه نبوده که پیامبر صلی الله علیه و آله در این ماجرا از خدا نترسیده باشد، ولی چون از ترس پیامبر از مردم سخن رفته، از باب مشاکله از خشیت خداوند هم سخن گفته شده است. (همان‌جا)

۵-۴. روایات امام باقر علیه السلام

سه روایت از گونه ایضاح معنا، از امام باقر علیه السلام نقل شده است. البته در تمامی آن‌ها امام به میانجی جابر بن عبد الله انصاری سخنان پیامبر را نقل می‌کند. به مناسبت «وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَقْتُلُونَ» (انعام: ۱۵۱) از پیامبر صلی الله علیه و آله کلماتی مشابه از الواح موسی علیه السلام نقل می‌شود: «نفسی را که خداوند کشتن آن را حرام کرده است به قتل مرسان مگر به حق آن. اگر به ناحق کسی را بکشی، زمین با تمام وسعتش بر تو تنگ می‌شود و آسمان نیز با تمام بزرگی‌اش بر تو تنگ می‌آید و به‌واسطه غضب و سخط خداوندی وارد جهنم می‌شوی» و پیامدهای قتل به‌ناحق بسط می‌یابد.

(واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۲، ص ۳۳۷) واحدی به همین روایت ذیل آیه اکتفا کرده است. به هنگام سخن از تفسیر آیه «وَ الْخَيْلَ وَ الْبِغَالَ وَ الْحَمِيرَ لَتَرْكَبُوهَا وَ زِينَةً وَ يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (نحل: ۸)، نیشابوری از امام باقر علیه السلام از جابر انصاری نقل می‌کند که در جریان فتح خیبر پیامبر صلی الله علیه و آله از خوردن گوشت الاغ وحشی منع کرد و خوردن گوشت اسب را روا شمرد. (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۳، ص ۵۷) واحدی خود معتقد است که آیه دلالت بر حرمت گوشت اسب ندارد؛ هرچند آن با قاطر و الاغ ذکر کرده زیرا قصد آیه اظهار منت است و بیان اینکه خداوند برای ما حیواناتی جهت سوار شدن و زینت، خلق کرده است. مفسر در پی آن می‌گوید گوشت خیل به واسطه سنت حلال است. آنگاه ز اسماء بنت ابو بکر نقل می‌کند که «أكلنا لحم الفرس على عهد رسول الله» (به نقل از بخاری) و بعد روایت بالا را می‌آورد. (همان، ج ۳، ص ۵۶-۵۷) با این توضیحات ناگفته خود پیداست که واحدی روایت منقول از طریق امام باقر علیه السلام را معتبر می‌دانسته است.

همچنین ذیل آیه «وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ» (یونس: ۲۵) با واسطه امام باقر علیه السلام از جابر از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که مثل پیامبر مثل قاصدی است که از طرف پادشاه (خداوند) مردم را به قصر (اسلام) و سفره‌ای پر نعمت (بهشت) دعوت می‌کند. واحدی خود آیه را چنین تفسیر می‌کند که خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌فرستد و ادله را اقامه می‌کند و به بهشت فرامی‌خواند. آنگاه او همان تک‌روایت را می‌آورد که با سخن خود او هم‌راستاست و در نتیجه می‌توان گفت که وی با اعتبار روایت مخالفی ندارد.

۴-۶. روایات امام صادق علیه السلام

در این روایت که کارکرد آیه شناختی دارد، امام صادق علیه السلام به نقل از پدران و اجداد خویش از پیامبر صلی الله علیه و آله فضیلت خواندن آیت الکرسی، آیه ۱۸ آل عمران و «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تُعَزِّزُ مَنْ تَشَاءُ...» (آل عمران: ۲۶-۲۷) را، شفاعت بنده، ورود خواننده آن به بهشت و برآورده شدن هفتاد حاجت او در هر روز که کمترین آن‌ها مغفرت است، نقل کرده است. واحدی روایت دیگری در این باره نیاورده است. (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۱، ص ۴۲۶)

۴-۷. روایات امام کاظم علیه السلام

در این تک‌روایت، امام ناقل از مالک بن انس و او از سهل و او از انس بن مالک از

پیامبر ﷺ است. موضوع روایت ایضاح معنایی الذین در «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ» (مائده: ۷۸) است. در نقل ایشان گروهی از بنی اسرائیل دانسته شده‌اند که در امر به معروف و نهی از منکر استمرار و استقامت نداشتند و با سایر مردم گناهکار هم‌مجلس و همنشین شدند، با آنان می‌خوردند و می‌نوشیدند و بر اثر آن خداوند قلب‌های آنان را سخت گردانید و همه گرفتار قساوت قلب شدند. (واحدی، ۱۴۱۵ق [ب]، ج ۲، ص ۲۱۵) اما این، رأی مختار و برگزیده واحدی نیست؛ زیرا خود، به نقل از حسن، قتاده و مجاهد «الذین» را به اصحاب سبت و اصحاب مائده تفسیر کرده است. اصحاب سبت را آنان می‌داند که تعدی کردند و داود گفت: «اللهم العنهم و اجعلهم آية و مثلاً لخلقك» و آن‌ها میمون شدند. اصحاب مائده را کسانی می‌شمارد که چون از مائده خوردند. ایمان نیاوردند و عیسی گفت: «اللهم العنهم كما لعنت أصحاب السبت» و آن‌ها هم میمون شدند. (همان، ج ۲، ص ۲۱۴-۲۱۵)

۵. نتیجه‌گیری

۱-۵. از چهارده روایت فضایل اهل بیت، ۸ روایت ترسیم فضای نزول، ۳ روایت ایضاح مفهومی، ۲ روایت بیان مصداق و ۱ روایت استناد به قرآن است.

۲-۵. در نقل روایات فضایل اهل بیت ﷺ ابن عباس با ۵ نقل پررنگ‌ترین نقش را دارد. دیگر صحابه ۶ روایت و تابعان ۳ روایت و مفسران ۱ روایت دارند. نگاهی به این آمار مؤیدی است بر اهتمام واحدی به نقل از شاهدان تنزیل یا کسانی که کمترین واسطه را با روزگار نزول دارند.

۳-۵. واحدی در یک مورد، مضمون روایت مرتبط با اهل بیت را ترجیح نداده و آن روایت تفسیر اهل بیت در آیه تطهیر به پنج تن است. او با تکیه به کثرت روایات تطبیق اهل بیت بر زنان پیامبر ﷺ و با استدلال به سیاق آیه، آن‌ها را ترجیح می‌دهد. این نشان می‌دهد که یکی از خط قرمزهای واحدی در پذیرش روایات فضایل، میزان انطباق آن‌ها با اصول پذیرفته‌ایدئولوژیک اوست.

۴-۵. واحدی در یک روایت دیگر به‌رغم پذیرش اعتبار آن کوشیده است تا با توضیح و تبیین، تالی فاسدهای مترتب بر آن را دفع کند. ابلاغ آیات نخستین سوره

برائت از سوی امام علی علیه السلام و برداشت افضلیت او، درون‌مایه این روایت است که واحدی با اقوال زجاج و جاحظ آن را توجیه کرده است.

۵-۵. واحدی در میان ائمه از امام علی علیه السلام با ۱۸ روایت، بیشترین نقل را دارد. این‌ها به‌علاوه ۱ روایت از حضرت زهرا علیها السلام، ۱ روایت از امام حسن علیه السلام، ۳ روایت از امام باقر علیه السلام، ۱ روایت از امام صادق علیه السلام و ۱ روایت از امام کاظم علیه السلام، ۲۶ روایت موجود از اهل بیت علیهم السلام در *الوسیط* را تشکیل می‌دهند.

۶-۵. هشت روایت از روایات امام علی علیه السلام، روایت حضرت فاطمه علیها السلام و روایات منقول از امام باقر، امام صادق و امام کاظم علیهم السلام مرفوع و منقول از پیامبرند و ده روایت از روایات امام علی علیه السلام، روایت امام حسن علیه السلام و روایت امام سجاد علیه السلام روایات موقوف‌اند. می‌توان گفت که واحدی امام باقر، امام صادق و امام کاظم علیهم السلام را به‌عنوان وسایط نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله پذیرفته است و برای اقوال خود ایشان حجیت مستقلی قائل نیست. در برابر آرای اهل بیت که در طبقه صحابه قرار دارند یا در زمره تابعان شمرده می‌شوند، از دیدگاه او در دایره اعتبار قرار دارد و این نشان دیگری از اهتمام او به اقوال صحابه و تابعان در تفسیر قرآن است.

۷-۵. هشت روایت مرفوع امام علی علیه السلام همه در ایضاح معنایی به کار می‌روند. از ده روایت موقوف امام هم تنها یک روایت آیه‌شناخت (بیان فضیلت آیه) و بقیه ایضاح معنایی است. روایت حضرت زهرا علیها السلام، از نوع آیه‌شناخت، روایت امام سجاد علیه السلام از نوع ترسیم فضای تاریخی نزول آیه، ۳ روایت امام باقر علیه السلام از مقوله ایضاح معنا، روایت امام صادق علیه السلام از نوع آیه‌شناخت و روایت امام کاظم علیه السلام ایضاح معنایی است. در مجموع، گونه‌های روایات تفسیری اهل بیت چنین است: ۲۱ روایت ایضاح معنایی، ۲ روایت آیه‌شناخت، ۱ روایت ترسیم فضای نزول.

۸-۵. از میان روایات بالا واحدی دو روایت را ترجیح نداده است. نخست روایت مربوط به آزار موسی توسط بنی اسرائیل و تبرئه او از سوی خداوند است، که واحدی به‌دلیل باور اکثر مفسران و وجود روایت در صحیح مسلم، روایت اسرائیلی ابوهریره را بر روایت امام علی علیه السلام ترجیح داده است. دومین مورد به تبیین شاهد و مشهود بازمی‌گردد، که در روایت امام حسن علیه السلام پیامبر و روز قیامت دانسته شده و واحدی

قول روز جمعه و عرفه را به استناد روایت ابوهریره و با تأکید بر قول اکثریت بودن آن، ترجیح داده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای دیدن نمونه‌های عینی و بررسی بیشتر نک: باقری و رحمان ستایش، ۱۳۹۱ش؛ امینی، ۱۳۸۷ش.
۲. محمد محمد مهدی، ۱۹۷۸م.
۳. ظاهراً مراد او این است که در این مسئله، مفسران سلف هم‌داستان‌اند و نقل مخالف ندارد.

منابع

۱. ابن تعزی بردی، جمال‌الدین یوسف، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، قاهره: المؤسسة المصرية العامة للتألیف و الترجمة، بی‌تا.
۲. امینی، نوروز، «روایات اهل بیت در منابع اهل سنت»، *مجله علوم حدیث*، شماره ۴۷، ۱۳۸۷ش، ص ۱۴۶-۱۸۴.
۳. باقری، حمید و رحمان ستایش، محمدکاظم، «کارکردهای نقل روایات اهل سنت در منابع شیعی با تکیه بر روایات تفسیری»، *مجله علوم حدیث*، شماره ۳ و ۴، ۱۳۹۱ش، ص ۱۱۱-۱۵۲.
۴. صدوق، محمد بن علی بن حسین، *الأمالی*، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۵. قفطی، علی بن یوسف، *أنباه الرواة علی انباه النحاة*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار الکتب العلمیه، ۱۳۶۹ق.
۶. محمد محمد مهدی، جوده، *الواحدی و منهجه فی التفسیر*، ج ۱، مصر: وزارة الاوقاف، ۱۹۷۸م.
۷. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، *التفسیر البسیط*، تحقیق نوره بنت عبدالله بن عبدالعزیز الورثان، ریاض: جامعة الامام محمد بن سعود الاسلامیه، ۴۳۰ق.
۸. —، *الوجیز فی تفسیر کتاب الله العزیز*، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق: دار القلم، ۱۴۱۵ق [الف].
۹. —، *الوسیط فی تفسیر القرآن المجید*، تحقیق و تعلیق عادل احمد و همکاران، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق [ب].
۱۰. یافعی، عبدالله بن اسعد، *مرآة الجنان و عبرة یقطان*، حیدرآباد دکن: دایرةالمعارف النظامیه، ۱۳۳۸ق.